



با اشتیاق تمام، گام به گام، طرح درس را در کلاس اجرا می کردم و خوشحال از فعالیت و همراهی دانش آموزان، آن روز را یکی از بهترین و روان ترین کلاس های خود می شمردم. کم کم به گام های پایانی تدریس خود نزدیک می شدم. رو به دانش آموزان کردم و گفتم: «خب بچه ها، حالا نوبت چیست؟ زود کتاب ها را روی میز بگذارید. می خواهیم متن درس را بخوانیم. اگر گفتید کدام درس را باید روخوانی کنیم؟»

مهدی امینی گفت: «آقا، می خواهیم درس «در انتظار آفتابگردان» را بخوانیم.»

محسن نیک جو گفت: «نه، آقا، می خواهیم درس «من معتقدم» را بخوانیم.»

ناگهان نگاهم متوجه سعید صادقی شد. انتظار داشتم او مانند همیشه به درستی حدس بزند. اما چشم های او ریز شده بودند. انگار ذره بین روی مطلبی گذاشته باشد

آموزش معاد به کودکان

ترس یا شوق؟

ابوذر رضاسلطانی

از حرف‌های سعید تعجب کرده بودم. چه ارتباطی با درس داشتند! به او گفتم: «سعید، وقت کلاس را برای چه می‌گیری؟! اگر سؤال ربطی به درس ندارد، زنگ تفریح بیا و از من بپرس.» سعید گفت: «نه آقا، به خدا به درس مربوط است. گربه شب خواب دید، به خاطر اذیت‌هایی که به موش کرده است، او را به چاه جهنم انداخته‌اند و توی آن سگ‌ها، گربه‌هایی را می‌زدند که موش‌ها را اذیت کرده بودند. بعضی از گربه‌ها را توی دیگ انداخته‌اند و...»

دیگر صدای سعید را نمی‌شنیدم. فقط حرکت لب‌های او را می‌دیدم. عرق سردی بر پشتم نشست. مانده بودم چه بگویم تا ذهن بچه‌ها را در مورد مسئله قبر و قیامت، سالم و سلامت به ساحل آرامش برسانم. تنها کاری که از دستم برآمد، دعا کردن بود. یادم هست که در آن حالت اضطرار، تنها از خدا کمک می‌خواستم...

تا بفهمد و در سکوت فرو رفته بود. هر وقت سعید صادقی این‌طوری می‌شد، آماده یک سؤال مشکل و پیچیده می‌شدم. یک باره بهروز سعادت طلب، با صدای بلندش، رشته افکارم را از هم گسیخت: «آقا، آقا ما بگوییم؟ حتماً می‌خواهیم درس «یک روز تعطیل» را بخوانیم.»

بهروز را تشویق کردم و از خودش خواستم متن درس را بخواند. همراه با خواندن متن، مفاهیم و موضوع درس را با مشارکت بچه‌ها مرور می‌کردیم. موضوع درس، اصل معاد و قیامت، ثبت و ضبط اعمال و پاداش و جزای انسان‌ها بود. آخرین توضیحات را می‌دادم که سعید صادقی اجازه پرسش خواست. با کمال خوشحالی از تدریس موفق خود، به او اجازه دادم. سعید صادقی گفت: «آقا اجازه، دیروز در برنامه کودک، کارتن موش و گربه را دیدم. گربه، موش را یک روز تمام اذیت کرد. شب هم خوشحال خوابید.»

**یاد معاد،
در بدایت امر
هشدار و علامت
خطر و در نهایت
آن، حاکی از
شوق دیدار و
ملاقات خدای
متعالی است**

سعید در پایان حرف هایش گفت: «آقا، واقعاً ما هم در جهنم این طوری شکنجه می شویم؟! واقعاً جهنم این جوری است؟!» برای یافتن پاسخ، لحظه ای خواستم تمام ذهنم را مانند هنگام پیدا کردن سوزن در انبار گاه بگردم، اما پاسخ دقیقی نیافتم و باز از خدا کمک خواستم. به ناگاه احساس سبکی کردم و نوری در ذهنم روشن شد. رو به بچه ها کردم و گفتم: «بچه ها شما هم کارتون موش و گربه دیروز را دیده اید؟»

اکثر آن ها با حرکت سر یا با گفتن بله، جواب مثبت دادند. این بار صدایم را کمی بالاتر بردم و با اطمینان خاصی گفتم: بچه ها اصلاً نترسید، مطمئن باشید، اگر جهنم این طوری هم باشد که شما در کارتون دیده اید، اصلاً جای شما نیست. خیالتان راحت باشد. شما بچه ها عزیز و خوب هستید. مگر یادتان نیست که قبلاً گفتیم، پیامبر اکرم (ص) با بچه ها بازی می کردند و آن ها را روی دوش خود سوار می کردند. مطمئن باشید، بچه های خوبی مثل شما که جایگهتان دوش پیامبر است، حتماً می دانید که بعد از مرگ هم چه جایی دارید؟ همه بگویید، با صدای بلند بگویید ببینم، جایگاه شما کجاست؟» و اینجا بود که همه دانش آموزان با فریادهایی از ته دل و با شادی فریاد زدند: «بهشت، بهشت.»

واقعاً پاسخ و عملکرد معلم در کلاس چگونه بود؟ به نظر شما، در این مورد کدام یک از گزینه های زیر صحیح تر است؟
الف) معلم بهترین و زیباترین پاسخ ممکن را ارائه کرد.
ب) معلم با زیرکی از پاسخ دادن به سؤال دانش آموز طفره رفت و دانش آموز را فریب داد.
ج) معلم اشتباه کرد و نباید اجازه می داد سؤال در کلاس درس طرح شود.
د) اصلاً طرح موضوع معاد برای کودکان دبستانی، اشتباه است.

برای یافتن پاسخ و گزینه صحیح، با ادامه مقاله همراه باشید.

ضرورت آموزش معاد در مجموعه معارف دینی

هدف تعلیم و تربیت دینی، در نهایت، دینداری دانش آموز است. اعتقادات صحیح که زمینه ساز گرایش ها و عواطف صحیح هستند و در نتیجه، به اعمال خیر ختم می شوند، پایه های دینداری را تشکیل می دهند. بخشی از این اعتقادات، غیرحسی و غیرتجربی هستند و اتفاقاً از مهم ترین اجزای اعتقادات صحیح هر مسلمان نیز به شمار می روند معاد از جمله این معارف غیرتجربی و نادیدنی است که در میان تمام ادیان توحیدی مشترک است و در شکل دهی به رفتار مسلمان، نقشی به سزا دارد. قرآن کریم نیز بارها از معاد با نام غیب یاد کرده و آن را

از شرایط ایمان که پایه دینداری و سعادت دینی است، شمرده است. یاد معاد، در بدایت امر هشدار و علامت خطر و در نهایت آن، حاکی از شوق دیدار و ملاقات خدای متعالی است. این مفهوم و باور به زندگی حقیقی و ملاقات با خدای تبارک و تعالی، زمینه ساز بسیاری از اعمال خیر و دوری جستن از بدی ها و نیل به سعادت واقعی است.

با توجه به آنچه درباره مسئله معاد و قیامت وجود دارد، در شورای برنامه ریزی و تألیف کتاب های هدیه های آسمان، اصول چندی در طرح موضوع معاد مدنظر بوده اند:

۱. به مراحل و ویژگی های رشد شناختی کودک توجه شود. کودکان در مسیر زندگی، دامنه شناخت خویش را آهسته آهسته و گام به گام از مفاهیم ساده و تجربی، به سوی مفاهیم پیچیده و انتزاعی گسترش می دهند. به همین دلیل، اصل حاکم بر آموزش مفهوم معاد هم، حرکت از مفاهیم ساده به پیچیده و از مفاهیم تجربی به سوی مفاهیم انتزاعی است.

۲. موضوع معاد به گونه ای مطرح شود که به تعادل روحی دانش آموزان لطمه وارد نشود و دانش آموزان با شنیدن و طرح این موضوع در کلاس و پس از آن در خلوت خویش، دچار اضطراب و ترس بی مورد نشوند.

۳. در طرح موضوع معاد، به زیبای های زندگانی پس از مرگ و شیرینی کامیابی و سپاسگزاری خداوند کریم از تلاش انسان پرداخته شود.

۴. تقویت نگرش و گرایش روزافزون دانش آموزان به انجام کارهای نیک و تلاش برای انجام کارهای خوب، هدف اصلی آموزش مفاهیم مربوط به معاد در دوره ابتدایی باشد و صرف آشنایی و کسب شناخت به این مجموعه از مفاهیم، مورد نظر نباشد.

شیوه های متعدد آموزش معاد

با توجه به اهمیت معاد و غیب باوری در تعلیم و تربیت اسلامی که شامل مفهوم معاد و قیامت و ذات خداوند متعال است و پیچیدگی درک این مفاهیم و باور آن ها برای ذهن ها و فهم های باتجربه، پرسش این است که چگونه باید معاد را به ویژه برای کودکان تدریس کرد؟ برای آموزش معاد سه روش ممکن است:

الف) اثبات معاد به روش استدلالی

در آموزش و تدریس موضوع معاد، می توان از استدلالات رایج کلامی سود جست. لیکن پرواضح است که این روش برای کودکان دبستانی کاربردی نخواهد داشت. زیرا هنوز مقدمات موضوع معاد برای دانش آموزان طرح نشده است تا براساس آن ها، به یک استدلال منطقی دست یابند. همچنین

ذهن آن‌ها آمادگی و توانایی استدلال منطقی براساس مفاهیم مجرد و انتزاعی را ندارد. دلایل و ضرورت وجود معاد و جهان آخرت هم هنوز مورد سؤال آن‌ها نیست. بنابراین، بیان براهین و استدلال‌ات مربوط به این بحث، در دوره ابتدایی نیاز نیست.

ب) بیان ویژگی‌های جهان آخرت و کیفیت زندگی پس از مرگ

چگونگی زنده شدن انسان پس از مرگ، حسابرسی و سنجش اعمال، ویژگی‌های بهشت و جهنم، کیفیت زندگی در جهان آخرت و... از نکاتی هستند که دانستن آن‌ها برای همه مسلمانان لازم است. اما در مورد کودکان، می‌توان آنچه را که برایشان قابل فهم‌تر و به تجربه‌هایشان نزدیک‌تر است، بیان کرد. زیبایی‌ها و نعمت‌های موجود در بهشت، خشنودی خداوند از انسان‌های خوب و اعمال نیک ایشان و آرامش و خوشحالی نیکوکاران در آنجا، از مواردی هستند که تجسم آن‌ها برای کودکان دوره ابتدایی، تا حدی ممکن است و نیز می‌تواند ایشان را به انجام اعمال خوب ترغیب کند. بنابراین، هدف از تصویرگری جهان آخرت و کیفیت زندگی پس از مرگ، ایجاد انگیزه برای انجام کارهای خوب و دوری جستن از بدی‌ها است که به دور از طرح پیچیدگی‌های این بحث، امکان‌پذیر می‌شود.

ج) تمثیل امور عینی و ملموس برای تفهیم امور غیبی و نامأنوس

همواره، به گاه ناکارآمدی زبان استدلال، از منطق تمثیل باید بهره جست. تمثیل، استدلالی لطیف بر پایه فهم طرف مقابل و مخاطب است و سرعت پذیرش نتیجه آن از سوی مخاطب، به مراتب بیش از استدلال است. در آموزش معاد می‌توان از تمثیل‌های گوناگون استفاده کرد. برای مثال از تمثیل: کارنامه به نامه اعمال، شادی و غم پس از دریافت کارنامه به شادی و رنج حاصل از محاسبه الهی، پاداش و جزا و عتاب ناشی از ثمرات کارنامه به پاداش و جزای الهی و...

اما نکته ظریف‌تر از مو در بهره‌جویی از تمثیل اینجاست که کودکان دوره ابتدایی، هنوز در برقراری ارتباط میان مثال و موضوع مورد نظر آن مشکل دارند و گاه این امر هرگز حاصل نمی‌شود و دانش آموز، پاسخ را فقط حافظه محور بیان می‌کند. در نتیجه، هنگام استفاده از تمثیلات، باید از تمثیل ساده استفاده کرد. به این معنا که اولاً تجربه‌های بچه‌ها در زمینه موضوع، به اندازه‌ای باشد که ویژگی‌های آن را خوب بشناسند. ثانیاً وجه شباهت به خوبی آشکار باشد و دانش آموز، آن را به سادگی درک کند. بالاخره شاید بتوان گفت، در بخش معاد، استفاده از بیان مستقیم، اثربخش‌تر از تمثیلات غیرمستقیم نارسا خواهد بود.

بخش معاد در هدیه‌های آسمان

مفهوم معاد و بحث‌های پیرامون آن از حساسیت ویژه‌ای برخوردارند. به همین دلیل، در ارائه این مطلب، به ذهن آماده و ورزیده کودک نیاز است. در نتیجه، در سال دوم دبستان که اولین کتاب تعلیم و تربیت دینی با کودکان همراه می‌شود، بحثی از مفاهیم مربوط به معاد، گنجانده نشده است. زیرا به دلیل آموخته‌های قبلی کودکان و مطالبی که از کانال‌هایی جدای برنامه‌های درسی رسمی آموخته‌اند، ممکن است مبحث معاد در ذهن آن‌ها با مرگ و عذاب و وحشت قبر و قیامت همراه شود.

آنچه در سیر آموزش معاد از سال سوم دبستان تا پنجم بی‌گرفته‌ایم، استدلال محض و پیچیده نیست، بلکه تلاش ما بر آن بوده است که با تحلیل ابتدایی، و شکافتن و بخش‌بخش کردن مفاهیم مبحث معاد، مثل اصل وجود معاد، معنای معاد، تحت نظارت بودن اعمال، رسیدگی به اعمال انسان، پاداش و جزا، این مفاهیم را ساده کنیم و در عین حال، برای کودکان قابل‌باور سازیم.

در راه قابل فهم و باور ساختن این مفاهیم، از تجربیات روزمره کودکان بهره فراوانی جست‌ایم. به عنوان مثال، در سال سوم ابتدایی با استفاده از تجربه آزمون و امتحان و کارنامه گرفتن دانش‌آموزان، کودکان را به مفهوم نتیجه اعمال و دیدن آن پس از مرگ نزدیک ساخته‌ایم. در سال چهارم دبستان، در درس «دوربین مخفی» هم به صورت غیرمستقیم به نظارت و ثبت و ضبط اعمال انسان پرداخته‌ایم. در نهایت، در سال پنجم ابتدایی، در درس «آخرین برگ‌ها» با استفاده از تمثیل زیبا و گویای برگ‌ریزان درختان پاییزی و رویش دوباره بهاری، با استفاده از روش غیرمستقیم به اصل توشه‌اندوزی و انجام کارهای خوب برای پربرتر شدن زندگی پس از مرگ پرداخته‌ایم. علاوه بر آن، در درس «یک روز تعطیل»، دانش‌آموزان با مفهوم معاد به عنوان یکی از اصول دین اسلام آشنا می‌شوند و تمام آموخته‌های سه سال گذشته خود در مبحث معاد را یک باره و در ترکیبی معنادار می‌یابند و به جمع‌بندی کاملی می‌رسند.

اکنون نظر تان چیست؟ آیا آموزش معاد به کودکان، به گونه‌ای که ایشان را نترساند و بلکه به انجام کارهای نیک ترغیبشان کند، امکان‌پذیر است؟ امید آنکه با مطالعه این مقاله، برای برخی از سؤالات خود پیرامون کیفیت آموزش معاد، پاسخ مناسب یافته باشید و با بهره‌گیری نکات بیان شده، به طراحی و اجرای تدریسی موفق برای کودکان ایران عزیز اسلامی دست یابید.